

جهانی شدن و نقش آن در زمینه‌سازی ظهور

امید درویشی^۱

رحیم کارگر^۲

چکیده

در این نوشتار با بیان برخی ویژگی‌های بُعد اقتصادی جهانی شدن، به پیشرفت صنعت و تکنولوژی، تحول در حمل و نقل، شکل‌گیری عوامل سخت افزاری و نرم افزاری شکوفایی اقتصادی، و هم‌چنین ناکامی نهادهای اقتصادی بین‌المللی در شکوفایی اقتصادی اشاره شده است. این ویژگی‌ها از طرفی مقدمات فنی تشکیل حکومتی جهانی را فراهم نموده، و از طرف دیگر باعث مایوس شدن جامعه بشری از اقدامات داعیه‌داران جهانی شدن، و خیزش علیه آنها و پذیرش فرهنگ منجی باوری می‌گردد.

در بُعد سیاسی نیز به برخی ویژگی‌های جهانی شدن از قبیل تضعیف حاکمیت ملی، شکل‌گیری نهادهای سیاسی بین‌المللی، افزایش آگاهی‌های سیاسی، کم‌رنگ شدن مرزهای بین‌المللی و سرخوردگی جامعه جهانی از نظام‌های سیاسی دنیا اشاره شده است. این ویژگی‌ها باعث شده‌اند تا زمینه‌های عملی پذیرش نظریه حکومت جهانی عدالت‌محور در اذهان جهانیان بیش از پیش فراهم شود.

هم‌چنین در بعد فرهنگی، به گسترش شبکه‌های ارتباطی، فن‌آوری‌های رسانه‌ای، از میان رفتن مرزهای فرهنگی، و رویارویی فرهنگ‌های متنوع در عرصه جهانی اشاره شده، که این ویژگی‌ها، بستری مناسب جهت آگاهی‌بخشی جهانی نسبت به شخص و شخصیت امام زمان علیه السلام و آشنایی با اقدامات و برنامه‌های حکومتی امام عصر علیه السلام را فراهم نموده است.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، مهدویت، امام زمان، ظهور.

۱. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی مهدویت و عضو پژوهشکده مهدویت و موعود

گرای.

۲. عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جهانی شدن پدیده مهم و نوظهوری است که در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی بشری، دگرگونی‌های زیادی را ایجاد کرده است. در این راستا از یک طرف شاهد گسترش ارتباطات، حمل و نقل، افزایش دانش‌ها، تبادل سریع اطلاعات و... هستیم و از طرفی دیگر شاهد گسترش بحران‌ها، نارضایتی‌ها، ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌هایی هستیم که نشأت گرفته از برخی از ابعاد جهانی شدن، و تهدیدی است که جامعه جهانی به آن مبتلا شده است. پدیده جهانی شدن، عرصه‌های زیادی از نظام بشری را در بر گرفته و می‌تواند با فرهنگ مهدویت که در آینده به یکی از مهم‌ترین رویدادهای بشری تبدیل می‌شود و جنبه جهانی دارد، ارتباط عمیقی داشته باشد.

مفهوم شناسی جهانی شدن

برای آشکار شدن نسبت «مهدویت» با «جهانی شدن»، ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی این دو تبیین می‌شود. جهانی شدن از نظر لغوی برابر نهاد واژه «globalization» - برگرفته از لغت «globe» - است. لغت «globe» در معانی: کره، گوی، کروی کردن، گرد کردن (حییم، ۱۳۸۱، ص ۳۵۰)، جهانی، عمومی، جامع (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱) به کار می‌رود. بنابر این واژه «globalization» را می‌توان به معنای به هم پیوستگی جهان در تمامی عرصه‌ها دانست که همانند یک موجود به هم پیوسته است.

اما از نظر اصطلاحی تعریف واحدی از جهانی شدن وجود ندارد. با بالا گرفتن بحث جهانی شدن، اندیشمندان زیادی در این عرصه ورود پیدا کرده‌اند و حجم عظیمی از استنتاجات توسط نظریه پردازان علوم اجتماعی در قالب کتاب، مقاله و سخنرانی ارائه شده؛ اما با گذشت سالیان سال، هنوز تعریف واحدی که جامع افراد و مانع اغیار باشد و اکثر نظریه‌پردازان، در مورد آن توافق نظر داشته باشند، ارائه نشده و همچنان ابهامی معنادار بر مفهوم جهانی شدن، سایه افکنده است. این ابهام و اختلاف در تعریف جهانی شدن از عوامل گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ریشه می‌گیرد. دلیل چنین ابهامی می‌تواند این امر باشد که «این پدیده به حد نهایی تکامل خود نرسیده است، و هر روز چهره تازه‌ای از ابعاد آن نمایان می‌شود» (هانس، ۱۳۸۱، ۱۴).

شولت (۱۳۸۲، ۶) معتقد است که اختلاف نظرها و سردرگمی‌ها در باره

جهانی‌شدن، غالباً از تعریف آن آغاز می‌شود. برخی از نظریه‌پردازان سعی کرده‌اند جهانی‌شدن را با نگاهی اقتصادی معنا کنند، ولی از نگاه برخی دیگر، جهانی‌شدن پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست، بلکه جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زندگی بشری را نیز در بر می‌گیرد. برخی از تعاریف متعددی که در این عرصه ارائه شده به قرار زیر است:

الف) آزادسازی اقتصادی: برخی نظریه‌پردازان جهانی‌شدن را عمدتاً با رویکرد اقتصادی معنا کرده‌اند. آنان وجه غالب جهانی‌شدن را به معنای افزایش روند جابجایی منابع و تولیدات، میان کشورها در قالب تشکیلات سازمان یافته، برای اداره فعالیت‌های اقتصادی در عرصه بین‌المللی بیان می‌کنند. کومسا (۱۳۸۸، ۱۸۳) معتقد است که جهانی‌شدن حاصل یکپارچگی اقتصادی، مالی و زیست محیطی است.

ب) برچیده شدن مرزهای جغرافیایی: به نظر واترز (۱۳۷۹، ۱۲) جهانی‌شدن، فرایندی اجتماعی است که در نتیجه آن، محدودیت‌های جغرافیایی و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی متحول و برچیده می‌شوند و به تشدید آگاهی عمومی منجر می‌شود. به عقیده بایلیسن (۱۳۸۲، ۳۹) جهانی‌شدن روندی جاری است که جهان به موجب آن از ابعاد مختلف و عموماً با سرعتی شتابان به یک قلمرو اجتماعی نسبتاً بدون مرز تبدیل شده است.

ج) مدرنیته: مدرنیته را در بهترین وجه می‌توان عصری توصیف کرد که ویژگی شاخص آن تحولات دائمی است (بامن، ۱۳۹۱، ۲۷). برخی جهانی‌شدن را نتیجه طبیعی رشد و گسترش مدرنیته قلمداد می‌کنند. گیدنز (۱۳۸۷، ۴۲) جهانی‌شدن را به معنای در هم گره خوردن رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمین‌های دوردست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر می‌داند، پدیده‌ای که می‌توان آن را نوعی تلاقی حاضر و غایب دانست.

د) گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی: برخی به جهانی‌شدن با نگاه گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی می‌نگرند. فوکویاما (۱۳۹۳، ۱۰۴) با مطرح کردن نظریه «پایان تاریخ»، جهانی‌شدن را به معنای گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی می‌داند و می‌گوید: «کنون در بخش‌های زیادی از جهان، ایدئولوژی جهان شمول و مشروع که بتواند در جایگاهی قرار گیرد تا لیبرال دموکراسی را به چالش بکشد وجود ندارد».

هـ) فشرده شدن زمان و مکان و افزایش ارتباطات: برخی جهانی شدن را فرایندی می‌دانند که منجر به فشرده شدن زمان و مکان و در نتیجه تراکم آگاهی بشر می‌شود. به نظر مک لوهان (۱۳۵۲، ۱۵۵) به واسطه گسترش وسایل ارتباطی و گسترش تکنولوژی مدرن، جوامع بشری به همدیگر بسیار نزدیک شده‌اند و همگی در دهکده‌ای به پهنای کره زمین، در کنار هم قرار گرفته‌اند. وی می‌گوید «ما وقتی پا به دوران تکنولوژی مدرن می‌گذاریم، خواه ناخواه در دهکده‌ای با ابعاد جهانی زندگی خواهیم کرد». رابرتسون (۱۳۸۰، ۳۵) نیز در مورد جهانی شدن می‌گوید: «مفهوم جهانی شدن هم به درهم فشرده شدن جهان، و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد».

همانطور که بیان شد ارائه تعریفی جامع از جهانی شدن کاری دشوار است، ولی با توجه به تعابیر فوق، می‌توان چنین گفت: «جهانی شدن عبارت است از فرایند فشرده‌گی زمان و مکان که به واسطه آن عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی، در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند».

در واکاوی مفهوم جهانی شدن می‌توان به سه دیدگاه اشاره کرد:

۱. **پروژه بودن جهانی شدن:** برخی قائلند جهانی شدن یک پروژه تاریخی است. در پروژه کسی یا چیزی، کنترلی بر ایجاد، ابقا و نظارتی بر اوضاع یک پدیده ندارد و نیز او از سرانجام و نهایت آن پدیده بی‌خبر است. در حقیقت پروژه سیر طبیعی پدیده است، با فراز و نشیب‌های طبیعی (شیروودی، ۱۳۸۲، ۱۰۸). با توجه به این معنا، با گذشت زمان و گسترش طبیعی ارتباطات و پیشرفت اطلاعات، تسریع در حمل و نقل و فشرده‌گی زمان و مکان، شاهد این مساله هستیم که در عرصه‌های مختلف زندگی بشری، تحولاتی عمیق به وجود آمده است که این تحولات طبیعی، روز به روز در دنیا پیوستگی و همبستگی ایجاد می‌کنند.

۲. **پروژه بودن جهانی شدن:** پروژه به معنای این است که یک طیف یا جریان خاصی با برنامه ریزی در عرصه‌های مختلف، هدف خاصی را دنبال کنند و بخواهند دیگران را به مقصدی خاص هدایت نمایند. طبق این دیدگاه، جهانی شدن همان جهانی سازی، غربی سازی، آمریکایی سازی و یا جهان گرایی آمریکایی است. به عبارت دیگر نظام لیبرال دموکراسی غرب تلاش دارد با استفاده از فن‌آوری ارتباطات رسانه‌ای، در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برای کشورهای دنیا قوانینی وضع

کرده و در این زمینه‌ها بر سایر ملت‌ها اعمال نفوذ کند، و این همان چیزی است که از آن به نظم نوین جهانی، نظام تک قطبی و امپراتوری جهانی آمریکا تعبیر می‌شود. «تارو» در کتاب برندگان و بازندگان جهانی‌شدن (۱۳۸۳، ۱۳۳ - ۱۳۴) یکی از دلایل مخالفت با جهانی‌شدن را آمریکایی بودن جهانی‌شدن دانسته و می‌گوید: «جهانی‌شدن طرح ساختمانی آمریکایی است که بدون مشارکت آنان و به رغم اعتراضاتی که می‌کنند در حال بنا شدن است».

۳. پدیده بودن جهانی‌شدن: طبق این دیدگاه، جهانی‌شدن نه پروژه است و نه پروسه. بهروزی لک (۱۳۸۸، ۱۲۸) در این زمینه می‌گوید: «طبق این تلقی در وضعیت جهانی‌شدن مؤلفه‌هایی وجود دارد که لزوماً آنها را نمی‌توان در قالب پروژه یا پروسه تبیین نمود... پدیده و فرصت نوظهور نه مطلقاً پیش‌اندیشیده است که بتوان پروژه نامید، و نه بدون اطلاع جهانیان مخصوصاً کارگزاران اطلاعات بوده که بتوان پروسه‌اش خواند».

از این دیدگاه‌ها می‌توان به این جمع بندی اشاره کنیم که جهانی‌شدن نتیجه پیشرفت بی‌سابقه تکنولوژی و ارتباطات است که طی مراحل تاریخی و به صورت طبیعی محقق شده است، و نظام لیبرال دموکراسی غرب به رهبری آمریکا توانسته است از این پدیده استفاده ابزاری کند، و با مسلط شدن بر پیشرفت‌های تکنولوژی و سایر امکانات ارتباطی، توانسته است بیش از پیش اهداف مورد نظر خویش را در دنیا اعمال کند.

مفهوم شناسی مهدویت

واژه مهدی اسم مفعول از «هدی» است. تاج العروس در مورد واژه مهدی می‌گوید: مهدی کسی است که خدا او را به حق هدایت کرده است. مهدی گاه در نام اشخاص به کار رفته، تا آنجا که اسم علم شده است، و همین نام مهدی است که بشارت داده شده در آخرالزمان می‌آید و خداوند ما را از یاران او قرار دهد (زبیدی، ۱۴۱۴، ۲۰: ۳۳۲).

مهدویت کلمه‌ای است که از واژه مهدی گرفته شده و در اصطلاح، مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، آیین‌های اعتقادی و رفتاری است که در مورد آخرین حجت‌الاهی مطرح می‌شود. در مورد مهدویت می‌توان سه رویکرد ارائه کرد: گزاره، آموزه و دکترین. مراد از رویکرد گزاره‌ای یا تک‌واره‌ای، پرداختن به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه، داستان‌های مهدوی یا بخشی از آنها به صورت جزئی و موردی است. منظور از

آموزه، رویکرد جامع و سامان‌مند در برابر نگاه گزاره‌ای و موردی است. آموزه مهدویت مجموع معارف منسجم و نظام‌مند در مورد حضرت مهدی است؛ یعنی اعتقاد به وجود امامی که وارث فرهنگ وحی است، جهانیان در انتظار او به سر می‌برند و رسالت زمینه‌سازی ظهور او را بر عهده دارند. و بالاخره دکترین به معنای نظریه راهبردی به همراه اصول برگرفته از آن است، و دکترین مهدویت نظریه و اصول راهبردی برگرفته از آموزه مهدویت است. در این رویکرد به روایات مهدوی به صورت گزاره‌ای و موردی یا آموزه مهدویت، به صورت کلی و مجموعه‌ای نگریسته نمی‌شود، بلکه باید به آموزه مهدویت و مجموعه گزاره‌ها و اخبار مهدویت برشی زد و با نگرش خاص هر آنچه را خاستگاهی برای اصول راهبردی می‌تواند باشد، استخراج کرد. مجموعه این نظریه و مؤلفه‌های آن به همراه اصول راهبردی برگرفته از آن را که ناظر به حوزه عمل است، دکترین مهدویت می‌گوییم (پورسید آقایی، ۱۳۸۷، ۲۱-۲۲).

پیشینه و زمینه بحث

برخی نظریه‌پردازان، جهانی‌شدن را پدیده‌ای قدیمی دانسته و مبدا آن را در تمدن‌های کهن جستجو کرده‌اند. افروغ (۱۳۸۷، ۸۵) می‌گوید: «مفهوم جهانی‌شدن امری تاریخی و دیرینه است. تقریباً می‌توان ادعان کرد تمام انبیا به گونه‌ای ادعای جهانی‌شدن را داشته‌اند». واترز (۱۳۷۹، ۳۱) نیز معتقد است که «جهان گستره قدمت طولانی در تاریخ دارد و اشخاص، دولت‌ها و مکاتب بسیاری (چون کورش، اسکندر، رومیان، مارکسیسم، سرمایه داری و...) درصدد جهانی کردن حکومت یا اندیشه خود بودند. ادیان الهی نیز همواره ادعای جهان شمولی داشتند و خود را محدود به یک زمان و مکان خاص نمی‌کردند». برخی دیگر از نظریه‌پردازان، پیشینه جهانی‌شدن را متاخر و مربوط به عصر مدرنیسم می‌دانند. هلد و مک‌گرو (۱۳۸۲، ۲) پیشینه جهانی‌شدن را اوایل شکل‌گیری دوران مدرنیته می‌دانند و می‌گویند: «اصطلاح جهانی‌شدن تا دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ رواج آکادمیک و گسترده پیدا نکرده بود». رابرتسون (۱۳۸۰، ۳۵) نیز جهانی‌شدن را هم‌زمان با آغاز دوره مدرنیته و ظهور سرمایه‌داری می‌داند. شولت (۱۳۸۲، ۱۱) از دلیل این اختلاف رمز‌گشایی می‌کند و می‌گوید: «تاریخچه جهانی‌شدن بر اساس تعریفی که از آن می‌پذیریم، متفاوت خواهد بود». بنابراین می‌توان گفت که اندیشه جهانی‌شدن ریشه‌ای دیرینه دارد، اما جهانی‌شدنی که به صورت مصطلح، همواره مورد توجه و تلاش علمی اندیشمندان است، قدمتی دیرینه ندارد و محصول عصر حاضر

است.

فرهنگ مهدویت نیز که نشأت گرفته از متون دینی اسلامی است، در طول سالیان متمادی توسط اندیشمندان اسلامی به ما منتقل شده است. مباحث مربوط به مهدویت امروزه از ظهور و بروز خاصی برخوردار است و در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از حوزه‌هایی که بحث مهدویت توانسته است ارتباط شایانی با آن برقرار کند مباحث مربوط به جهانی شدن است که در مجامع علمی توجه ویژه‌ای به آن شده و کنفرانس‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های زیادی را به خود اختصاص داده است. محورهای اصلی این قبیل رویکردهای علمی به مهدویت و جهانی شدن، از یک جهت به بیان ابعاد، اهداف، نظریات، ویژگی‌ها و آثار جهانی شدن اشاره دارند و از جهتی دیگر، شامل ویژگی‌های حکومت جهانی مهدوی، مقایسه بین جهانی شدن و جهانی شدن اسلامی و مهدوی، امتیازات جهانی شدن مهدوی بر جهانی شدن غربی، معیارهای جهانی شدن غربی و مهدوی و مبانی جهانی شدن مهدوی است.

جهانی شدن اقتصادی و مهدویت

یکی از مهم‌ترین ابعاد جهانی شدن بُعد اقتصادی است. بسیاری از نظریه‌ها و تعاریف در مورد جهانی شدن با رویکرد اقتصادی بیان شده است و بسیاری از نظریه‌پردازان، وجه غالب جهانی شدن را اقتصادی می‌دانند. افزایش چشمگیر تجارت جهانی، مبادلات بین‌المللی، آزادسازی تجارت، خصوصی سازی فعالیت‌های اقتصادی، حضور عمده شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه گذاری مستقیم از طریق شرکت‌ها، توسعه الکترونیکی ارتباطات تجاری، انتقال سریع فن‌آوری به دیگر کشورها، گسترش مراکز مالی جهانی، افزایش مهاجرت کارگران، رشد و تحول در ارتباطات حمل و نقلی و هم‌چنین صرفه‌جویی در زمینه‌های تولیدی باعث شده است که جنبه اقتصادی جهانی شدن، بر دیگر ابعاد جهانی شدن تأثیرات چشم‌گیری داشته باشد.

هابرماس (۱۳۸۰، ۱۰۲) در مورد بعد اقتصادی جهانی شدن می‌گوید: «جهانی شدن اقتصاد مهمترین بُعد جهانی شدن است. کیفیت تازه این وجه جهانی شدن کمتر مورد تردید کسی است. تعاملات اقتصادی جهانی در مقایسه با فعالیت‌های محدود ملی به چنان سطحی رسیده است که هیچ‌گاه سابقه نداشته، و چنان بر اقتصاد ملی اثر مستقیم دارد که تاکنون هرگز شناخته شده نبود».

به واسطه زیرساخت‌ها و هم‌چنین عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جهانی شدن،

قدرت جولان اقتصادی در عرصه‌های بین‌المللی افزایش چشم‌گیری پیدا کرده و فعالیت‌های اقتصادی در تمام نقاط جهان از سهولت بی‌بدیلی برخوردار شده است. در این راستا شرایطی به وجود آمده است تا مناطق دور دست و فاصله‌های مکانی و حتی زمانی، در فعالیت‌های اقتصادی بسیار کم رنگ شوند، و فاصله زمانی و مکانی بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان از میان برداشته شده و نوعی ارتباط و احساسی مشترک بین مردمان جهان ایجاد شود.

از منظر سازمان همکاری اقتصادی توسعه (OECD) جهانی شدن اقتصاد، معرف روندی است که در برگیرنده گسترش و توسعه تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بین‌المللی شدن روزافزون بازارهای پولی، مالی و اعتباری و نیز رشد و گسترش بازارهای سرمایه خارجی است (حق شناس، ۱۳۹۳، ۱۰۱).

با توجه به بعد اقتصادی جهانی شدن چنین برداشتی می‌شود که داعیه داران جهانی شدن ادعا می‌کنند که در صدد رونق فعالیت‌های اقتصادی در تمام جهان هستند. تلاش آنان در این راستا اگر به صورت صحیح و کارآمد در عرصه‌های بین‌المللی پیش برود شاید در برخی عرصه‌ها موفقیت‌هایی کسب کنند اما به صراحت می‌توان بیان کرد که طبق آموزه‌های ادیان آسمانی، به ویژه دین مبین اسلام، پیشرفت صنعت و تکنولوژی و شکوفایی اقتصادی در دوران ظهور منجی آخرالزمان محقق خواهد شد.

روایات زیادی به وضعیت اقتصادی در عصر ظهور اشاره دارند. چشم‌انداز اقتصادی عصر ظهور به نحوی است که امام علی علیه السلام می‌فرمایند: زمین میوه‌های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد (شریف رضی، ۱۴۱۴، ۱۹۶). تقسیم اموال آنچنان به صورت مساوی صورت می‌گیرد که امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: دیگر نیازمندی یافت نمی‌شود تا به او زکات بدهد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲: ۳۹۰). پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند: در آن زمان، امت پیامبر چنان از نعمت برخوردار می‌شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد. سرتاسر زمین محصول می‌دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد و اموال، انبوه می‌شود (اربلی، ۱۳۸۱، ۲: ۴۸۷). هم‌چنین امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌گردد و حکومت او شرق و غرب جهان را فرامی‌گیرد (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱: ۳۳۱). جهان در عصر پسا ظهور معضلات اقتصادی مثل رباخواری، اختلاس، دزدی، احتکار، کم‌فروشی و گران‌فروشی... را ندارد.

البته جهانی شدن در زمینه‌سازی این رونق و شکوفایی اقتصادی تاثیر بسزایی دارد؛

چرا که زیرساخت‌های شکوفایی اقتصادی عصر پسا ظهور، تا حدودی در عصر پیشا ظهور شکل می‌گیرد؛ یعنی برای رسیدن به چنین عصر شکوهمندی که به گوشه‌ای از آن اشاره شد، مسلماً باید زیر ساخت‌های اقتصادی تا حدودی به فعلیت رسیده باشند؛ زیرا بنا نیست که تمامی موفقیت‌های دوران ظهور به واسطه معجزه باشد، بلکه نیازمند تلاش و کوشش بشری است. به تعبیر آیت الله مکارم شیرازی (۱۳۸۶، ۸۵) اگر بنا بود همه کارها با معجزه تحقق پذیرد، حضرت امام مهدی در پی ۳۱۳ یار شجاع و مطیع و فرمان بردار نبود و می‌توانست با قدرت الاهی و بدون تکیه بر سرباز خود، جهان را فتح کند. به عبارتی دیگر: «فراهم ساختن یک اقتصاد سالم و کافی برای همه انسان‌ها، نیاز به رشد فرهنگی و بالا رفتن سطح دانش بشری از یک سو، و تکامل وسایل صنعتی از سوی دیگر دارد. وسایلی که بتواند پیوند سریع و نزدیک و دائمی میان تمام نقاط جهان برقرار سازد» (همان، ۲۱۶).

بنابراین لازم و ضروری است که مقدمات فنی تشکیل حکومت واحد جهانی آماده باشد، و این امر تا حدودی به واسطه جهانی‌شدن فراهم شده است. به تعبیر راسل (۱۳۴۳، ۴۲) «در قدیم فارس‌ها (ایرانی‌ها) و رومی‌ها به راه‌های خود متکی بودند، ولی چون سریع‌ترین وسیله آن روز اسب بود و چون فاصله مرکز از مرزها خیلی زیاد بود، اداره امپراطوری امری محال به نظر می‌رسید. این اشکال با ظهور راه‌آهن و تلگراف تقلیل یافت، و با پیدایش بمبافکن‌های دور پرواز در حال از بین رفتن است. اکنون به لحاظ فنی مشکل بزرگی در یک امپراطوری وسیع جهانی وجود ندارد».

یکی از مهمترین آثاری که جهانی‌شدن در عرصه اقتصادی ایجاد کرده است، تحول در صنعت حمل و نقل است. این ویژگی به عنوان حلقه وصلی است که بازارهای مالی، شرکت‌های چند ملیتی، تاجران بین‌المللی و موسسات فعال در حوزه‌های اقتصادی را به همدیگر پیوند داده است. تمامی سرزمین‌های جغرافیایی به واسطه شاه‌راه‌های عظیم ارتباطاتی و اطلاعاتی و زیرساخت‌های مطلوب حمل و نقلی به هم متصل شده است و روزبه‌روز این به هم پیوستگی جهانی افزایش می‌یابد.

این بُعد از جهانی‌شدن اقتصادی باعث شده است تا بسیاری از معارفی که در عرصه مهدویت و عصر پسا ظهور در منابع روایی مطرح شده، بسیار ملموس‌تر گردد و ما نسبت به آنها فهم بهتری داشته باشیم. به عنوان نمونه امام باقر علیه السلام می‌فرماید: برای صاحب شما آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی این حدیث می‌گوید: گفتم منظور از وسیله سرکش چیست؟ امام علیه السلام فرمود: ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه

یا برق است. او بر این وسیله سوار می‌شود. آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌گردد و به آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه صعود می‌کند (صفا، ۱۴۰۴، ۱: ۴۰۹).

آیت الله مکارم شیرازی (۱۳۸۶، ۲۴۹) در توضیح این چنین روایاتی می‌گویند: «مسئلاً منظور از ابر، این ابر معمولی نیست؛ زیرا ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد. آنها در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی‌توانند از آن بالاتر بروند، بلکه اشاره به وسیله فوق‌العاده سریع السیری است که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد، غرشی همانند رعد و قدرت و شدتی همچون صاعقه و برق دارد و به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق‌العاده خود می‌شکافد و همچنان به پیش می‌رود و می‌تواند به هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند».

البته باید این مساله را نیز مد نظر داشت که جهانی‌شدن در عرصه اقتصادی معضلات بسیار زیادی را برای بشریت به ارمغان آورده است. نهادهای بین‌المللی موثر در جهانی‌شدن همانند سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول، هنوز که هنوز است نتوانسته‌اند یک نسخه جامع سالم برای اقتصاد جهان بیچند تا مردم از دست این همه ناملایمات اقتصادی نجات پیدا کنند. به عنوان نمونه استیگلیتز (۱۳۸۵، ۳۵) که مدتی رییس اقتصاددانان بانک جهانی بوده است در مورد صندوق بین‌المللی پول می‌گوید: «پس از نیم قرن که از فعالیت‌های این سازمان می‌گذرد، به روشنی می‌توان دریافت که صندوق بین‌المللی پول در رسیدن به اهداف خود شکست خورده و به اهداف بنیادین خود که همانا کمک به کشورهای در حال سقوط اقتصادی بوده، نرسیده است». عدم موفقیت جهانی‌شدن در بعد اقتصادی باعث شده است تا خیزش‌های مردمی مانند جریان وال استریت، مخالفت‌ها و «تظاهرات‌های ضد جهانی‌شدن که اولین آنها در سال ۱۹۹۹ در سیاتل اتفاق افتاده» (مورای، ۱۳۸۸، ۲۴) ایجاد شوند؛ چرا که افکار عمومی به خوبی دریافته‌اند که برنامه‌های اقتصادی ناکارآمد دولتمردان غربی، روز به روز عرصه را بر آنها تنگ‌تر کرده و به تعبیر تارو (۱۳۸۳، ۱۲۹) شعارها و فریادهایی که آنان سر می‌دهند نشان‌دهنده این است که «آنان خشمگین هستند. اما به هیچ وجه به روشنی نشان نمی‌دهند که خواست آنان چیست. آیا خواهان «برگشت به گذشته» هستند؟ یا پیشروی به سوی آنچه نمی‌دانند چیست؟... مخالفان از چه می‌ترسند؟ آنان فاجعه‌ای را پیش‌بینی می‌کنند اما نمی‌دانند ماهیت این فاجعه چیست؟».

به بیان دیگر جهانی‌شدن اقتصادی برای جوامع بشری این آگاهی را به وجود آورده

که دیگر قوانین اقتصادی موجود نمی‌توانند آنها را به آنچه که وعده‌اش را داده‌اند، برسانند و نیازهای به حقشان را برآورده کنند. بنابر این به دنبال راه نجاتی از این منجلاب می‌گردند. به بیانی دیگر، آنان وضعیت موجود خویش را بر نمی‌تابند و در پی رقم زدن وضعی مطلوب هستند، و این وضعیت مطلوب همان گمشده‌ای است که جامعه بشری همواره دنبال آن است، و سرانجام توسط امام زمان علیه السلام به بشریت هدیه خواهد شد.

جهانی‌شدن سیاسی و مهدویت

با توجه به تحولات سیاسی به وجود آمده در عرصه‌های بین‌المللی، مخصوصاً در دهه‌های اخیر، می‌توان به صراحت گفت که یکی از مهمترین ابعاد جهانی‌شدن، بُعد سیاسی آن است. جهانی‌شدن سیاست به این معنا است که مسائل و مباحث سیاسی که فقط در محدوده سرزمینی خاصی مطرح بوده و به حوزه داخلی و حاکمیت ملی ارتباط داشته‌اند، به مسائلی فراملی، فرامنطقه‌ای و جهانی تبدیل شوند.

روند جهانی‌شدن باعث شده است که بسیاری از دانش‌واژه‌هایی که در عرصه سیاست موضوعیت دارند، مفهوم و کارایی پیشین خود را از دست بدهند. به واسطه جهانی‌شدن، مفهوم قدرت «از شکل سخت‌افزاری به نرم‌افزاری تحول یافته... و قدرت نظامی محور، به قدرت اطلاعات محور تغییر شکل می‌دهد و بیشتر قدرت در دست کسانی خواهد بود که سخت‌افزار تکنولوژی ارتباطات و نرم‌افزار اطلاعات را در اختیار دارند» (سجادی، عبدالقیوم، ۱۳۸۳، ۴۲). قدرت آگاهی‌بخشی سیاسی رسانه‌ها در جوامع، بسیار پررنگ‌تر است، و شیوه اعمال قدرت به نحوی دگرگون شده است که «برخی از نظریه‌پردازان ارتباطات معتقدند که امروز جهان در دست کسی است که رسانه‌ها را در اختیار دارد» (بگدیکیان، ۱۳۸۲، ۵). در عصر جهانی‌شدن دیگر داشتن قلمرو سرزمینی زیاد، ملاک ارزیابی قدرت محسوب نمی‌شود، و حاکمیت ملی دولت‌ها بر سرزمین‌ها بسیار کم‌رنگ شده است؛ به نحوی که «اصولاً دولت‌ها نمی‌توانند با شهروندان خود هر طور که صلاح می‌دانند رفتار کنند» (هلد-مک گرو، ۱۳۸۲، ۲۳)؛ چرا که جهانی‌شدن سیاست باعث شده است دولت‌ها دیگر نتوانند همانند گذشته استقلال کامل داشته باشند، چون حاکمیت ملی آنها تضعیف شده است.

البته عوامل متعددی دست به دست هم داده‌اند تا حاکمیت ملی تضعیف شود که یکی از آنها شکل‌گیری قوانین بین‌المللی است. به تعبیر مورای (۱۳۸۸، ۲۳۲) «یکی از

عواملی که در شکل‌گیری تئوری اضمحلال قدرت دولت‌ها تاثیر داشته است، ظهور قوانین جهانی است که در سطحی بالاتر از دولت وضع می‌گردند. این قوانین با فشار بر دولت‌ها به جهت یکسان‌سازی برنامه‌های معین و مشخصی، حاکمیت دولت‌ها را به شدت تضعیف کرده است.

شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی نیز در تضعیف حاکمیت ملی دولت‌ها نقش بسزایی داشته است. به واسطه جهانی‌شدن، سازمان‌های بین‌المللی زیادی در جهان به وجود آمده؛ به نحوی که یکی از مشخصه‌های جامعه بین‌المللی در این دوران، وجود تعداد زیاد سازمان‌های بین‌المللی است. سازمان‌های بین‌المللی «در این معنا فراملی‌اند که نه در یک دولت، بلکه در عرصه بین‌المللی متشکل از دولت‌ها فعالیت دارند» (هیوود، ۱۳۹۲، ۲۰۶). این سازمان‌های فراملی در شکل‌گیری جهانی‌شدن بسیار تاثیر گذار هستند. واترز (۱۳۷۹، ۱۶۵) می‌گوید: «این سازمان‌ها یک شبکه تار عنکبوتی جهانی تشکیل می‌دهند که از طریق آن، تعیین هدف و تصمیمات مربوطه به نحوه تخصیص منابع جریان می‌یابد». هم‌چنین جهانی‌شدن در عرصه سیاست، حرکت به سوی حکومت جهانی و لزوم ایجاد یک قدرت برتر جهانی را یک امر ضروری می‌داند (هیوود، ۱۳۹۲، ۲۲۰).

با توجه به آموزه‌های دینی، سرانجام حکومتی الهی بر تمام دنیا حاکم می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

تصور شکل‌گیری چنین حکومتی، در زمان‌های گذشته امری دشوار بود، اما جهانی‌شدن سیاسی توانسته است زیرساخت‌های فکری و فیزیکی شکل‌گیری یک حکومت جهانی را فراهم نماید و بسیاری از مشکلاتی که بر سر راه حاکمیت سیاسی در جهان وجود دارد را از میان بردارد.

امروزه جهانی‌شدن ظرفی را فراهم ساخته است که تشکیل جامعه جهانی واحدی که قرآن کریم و روایات اهل بیت وعده‌اش را داده‌اند، در آن تحقق عینی پیدا کرده است؛ چرا که «در روزگاران گذشته تصور حکومت فراگیر جهانی، همواره به دلیل وجود فاصله‌های زمانی و مکانی، با ابهاماتی همراه بوده است. پیش‌تر با توجه به دشواری اداره قلمرو وسیع و جهانی، ارتباط مستقیم نفی می‌شد، اما اینک در شرایط جهانی‌شدن،

فهم ارتباط مستقیم و فراگیر در عرصه جهانی حتی فراتر از کره زمین، به مدد تکنولوژی‌های ارتباطی چندان مشکل نیست» (بهروزی لک، ۱۳۸۸، ۱۶۹).

جامعه جهانی در طول قرن‌ها تا کنون، شاهد شکل‌گیری گونه‌های مختلفی از مدیریت نظام‌های سیاسی بوده و به این نتیجه رسیده که نه تنها این نظام‌ها نتوانسته‌اند گمشده بشر، یعنی «امنیت»، «عدالت» و «سعادت» را برای بشریت به ارمغان آورند، بلکه هر کدام به نوبه خود مشکلاتی را برای مردم ایجاد کرده‌اند. اما به واسطه استفاده از عوامل نرم افزاری جهانی‌شدن، می‌توان جامعه جهانی را از حاکمیت بی‌نظیر امام زمان علیه السلام و زیبایی‌هایی که در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای بشریت به ارمغان می‌آورد آشنا ساخت و آگاهی سیاسی آنان را افزایش داد. ره‌آورد این دانش‌افزایی سیاسی این است که افکار عمومی با مقایسه بین حاکمیت‌های بشری و حکومت امام زمان علیه السلام می‌توانند حاکمیت سیاسی مطلوب را بشناسند و در راستای آن گام بردارند.

پیش از شروع عصر ارتباطات، آگاهی‌های سیاسی اجتماعی مردم جهان کمتر بوده و حاکمان مستبد به واسطه کم عمق بودن آگاهی‌های سیاسی مردم، با اقتدار گرایی تمام، حکومت می‌کردند. اما جهانی‌شدن باعث هویت بخشی سیاسی مردمان جهان شده است. کسانی که حق اعمال نظر در تصمیم‌گیری‌های قومی و قبیله‌ای خود و یا کشور خود را نداشتند، امروزه می‌توانند در عرصه بین‌المللی نظریاتشان را به گوش مخاطبان‌شان برسانند و انعکاس تفکرشان را در سراسر جهان رصد کنند. آنان در سایه چنین ظرفیتی می‌توانند تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی عمیقی در جامعه جهانی ایجاد کنند.

تفکر مردم‌سالارانه زمینه‌ساز ظهور، بر این اصل و مبنا استوار است که ایجاد هرگونه تغییر و تحول در جوامع انسانی، به دست خود انسان‌ها و با اراده و خواست آنان محقق می‌شود. به بیان دیگر، در دگرگونی اوضاع سیاسی اجتماعی، تغییر و تحول درونی جامعه بشری محوریت دارد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱)؛ در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا این که آنان حال خود را تغییر دهند.

آنچه در این راستا قابل تأمل است این است که بخش زیادی از روایاتی که در باره انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام بیان شده، تغییر درونی مردم و احساس نیازشان به مصلحتی

جهانی را نمایان می‌سازد؛ به نحوی که مقبولیت عمومی، بسترساز انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام می‌شود، و آگاهی بخشی سیاسی در بستر جهانی شدن می‌تواند این تغییر بنیادین را در جامعه بشری ایجاد کند.

هم چنین سازمان‌ها و نهادهای مطرح بین‌المللی که در تحقق جهانی شدن نقش اساسی دارند با تمام فعالیت‌های مثبتی که در عرصه بین‌المللی انجام داده‌اند، نه تنها تا کنون نتوانسته‌اند وظیفه اصلی خود در قبال جامعه جهانی را انجام بدهند و شعارها و وعده‌هایی که به انسان‌های تشنه صلح و عدالت و امنیت داده‌اند را عملی سازند، بلکه روز به روز، با شعارها و وعده‌هایشان زاویه می‌گیرند.

با این وجود شکل‌گیری این چنین نهادهایی، گویای این مطلب است که افکار عمومی این چنین می‌پسندد که تمامی مردم دنیا باید در زیر سایه یک مدیریت سیاسی به سر ببرند. از این‌رو، جهانی شدن زمینه لازم و اصلی را برای تحقق یک حکومت و نظام فراگیر جهانی فراهم کرده است.

هم چنین بر اساس روایات اسلامی، با شروع انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام و تشکیل حکومت مهدوی مرزها هویت خود را از دست می‌دهند و تمامی دنیا در زیر یک پرچم و یک قانون و یک دین به سر می‌برند و تمامی پهنه زمین تبدیل به یک کشور پهناور می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «دولت او [قائم] به شرق و غرب جهان می‌رسد» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱: ۳۳۱). بنا بر این در زمان حکومت امام زمان علیه السلام تمامی سرزمین‌ها در سایه یک حکومت اداره می‌شوند و همه کشورهای کوچک و بزرگ به یک کشور اسلامی به مرکزیت شهر کوفه تبدیل می‌شوند، و تمامی مرزهای قراردادی ماهیت خود را از دست می‌دهند.

آنچه در مورد برداشته شدن مرزها در عصر ظهور وعده داده شده است، مساله‌ای است که در عصر جهانی شدن بر روی آن تاکید می‌شود و عملاً در بسیاری از جاها مورد پذیرش قرار گرفته است. صاحب نظران در عرصه جهانی شدن «نظریاتی از قبیل مرگ جغرافیا، نابودی مکان به واسطه گذر زمان، یکپارچگی زمان و مکان و فشردگی زمان و مکان را مطرح نموده و بیان کرده‌اند که مکان جغرافیایی دیگر محل مناقشه و تعارض نیست» (مورای، ۱۳۸۸، ۱۹). واترز (۱۳۷۹، ۱۷۴) می‌گوید: «مکان وجود یک جهان بدون مرز به قدری زیاد شده است که یک فرهنگ سیاسی مشترک در این زمینه در جوامع مختلف وجود دارد، و به هر میزان حکومت‌ها دارای تعهدات ایدئولوژیک و منافع مشترک باشند به همان نسبت برای تمرکز یا عدم تمرکز حاکمیت دولت و هم چنین

برای از بین بردن مرزهای حمایتی و دفاعی بین یکدیگر آمادگی پیدا خواهند کرد». بنابراین جهانی شدن توانسته است این نکته را به افکار عمومی بقبولاند که در راستای یکی شدن حکومت جهانی، مرزها ماهیت قبلی خود را از دست داده‌اند، و این همان مسأله‌ای است که در عصر پساظهور به صورت کامل اعمال خواهد شد.

علاوه بر این موارد می‌توان به صراحت بیان کرد که نظریه‌های سیاسی که در راستای بهبود وضعیت جامعه جهانی بیان شده و به کار گرفته شده، نتوانسته است انتظارات جامعه جهانی را در ابعاد مختلف مخصوصاً در بعد سیاسی برآورده کند؛ چرا که در سایه همین نظریات ارائه شده، آثار و پیامدهای منفی بسیار زیادی گریبان‌گیر جامعه جهانی شده است؛ آثاری از قبیل تهدید کشورهای ضعیف، به‌وجود آمدن بلوک‌های قدرتمند سیاسی، به‌وجود آمدن مراکز نامرئی تصمیم‌گیری جهانی، سست کردن و یا از بین بردن استقلال برخی کشورها، کاهش تسلط دولت‌های ملی بر امور داخلی و محدودتر شدن حیطه اختیارات و قدرت آنها، گسترش تروریسم، بروز چالش‌های سیاسی اجتماعی در حوزه‌های مختلف، ایجاد واحدهای سیاسی قدرتمند و معارض همدیگر، قانونی شدن برخی حقوق ظالمانه همانند حق وتو، ایجا افزایش نابرابری و عدم تعادل بین ملت‌ها، افزایش جنگ و خونریزی، از بین رفتن امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌های گسترده، تبعیض‌های نژادی و... که هر کدام از این‌ها به نحوی باعث اعمال ظلم و ستم بر جامعه جهانی می‌شود. در نتیجه جامعه جهانی به ستوه می‌آید، و در راستای از بین بردن وضعیت نامطلوب و به دست آوردن وضعیت مطلوب گام برمی‌دارد، و کم‌کم تشنه منجی واقعی می‌شود، و پذیرای آمدن مصلحی می‌گردد که آنان را از این نابسامانی‌های سیاسی نجات دهد.

جهانی شدن فرهنگی و مهدویت

جهانی شدن، فرهنگ‌های مختلف را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده است؛ به نحوی که بُعد فرهنگی جهانی شدن، یکی از مهمترین ابعاد آن محسوب می‌شود. گسترش شبکه‌های ارتباطی و فن‌آوری‌های رسانه‌ای در قالب کانال‌های متعدد ماهواره‌ای، افزایش دامنه اینترنت و گسترش شبکه‌ای آن در سراسر جهان، از میان رفتن مرزهای فرهنگی، رویارویی فرهنگ‌های متنوع و بسیاری از مسائل دیگر، گویای این تاثیر است.

تاثیر جهانی شدن بر فرهنگ‌های مختلف آنقدر عمیق است که تاملینسون (۱۳۸۱)،

۱۳) می‌گوید: «جهانی‌شدن در ذات فرهنگ مدرن نهفته است و راه و رسم‌های فرهنگی در ذات جهانی‌شدن». به عقیده کاستلز (۱۳۸۵، ۲۱) «ماهیت جهانی که در حال شکل‌گیری است اولاً و اساساً ماهیتی فرهنگی است. حاملان فرهنگ علی‌الاصول می‌توانند بالاترین سهم و نقش را در تحولات آتی ایفا نمایند». هم‌چنین واترز (۱۳۷۹، ۱۸۴) می‌گوید: «اگر چه به روشنی نمی‌توان گفت که فرهنگ به عنوان عرصه‌ای متمایز از اقتصاد و سیاست، تا کنون به طور کامل جهانی شده است، ولی بیش از هر یک از دو مقوله دیگر، گرایش به جهانی‌شدن از خود نشان داده است. این موضوع به ویژه در حوزه مذاهب آشکار است».

جهانی‌شدن فرهنگی به این معنا است که فرهنگی خاص در عرصه جهانی گسترده شود به نحوی که اکثر قریب به اتفاق خرده فرهنگ‌های اختصاصی به چالش کشیده شود و نوعی یکسان‌سازی فرهنگی را در تمام جوامع گسترده کند. در این بُعد از جهانی‌شدن تلاش شده است که از طریق زیرساخت‌هایی که جهانی‌شدن در اختیار بشریت قرار داده، آداب و رسوم و ارزش‌های خاصی، در تمام دنیا مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این جهانی‌شدن بستری فراهم کرده تا دیگر فرهنگ‌ها نیز در عرصه‌های بین‌المللی عرض اندام کنند.

به بیانی دیگر در عرصه جهانی‌شدن فرهنگی می‌توان دو دیدگاه کلان را مطرح کرد. دیدگاه اول عبارت است از گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. دیدگاه دوم نیز عبارت است از کثرت فرهنگی. به بیانی دیگر جهانی‌شدن در حیطه فرهنگ را می‌توان مانند سکه دورویی دانست که یک روی آن نشان دهنده غلبه یک فرهنگ خاص بر سایر فرهنگ‌ها است و روی دیگرش کثرت‌گرایی و تنوع فرهنگی را نشان می‌دهد. یعنی همه فرهنگ‌ها را به رسمیت می‌شناسد و باعث تقویت و معرفی آنها در عرصه‌های بین‌المللی می‌شود.

با توجه به رویکرد اول می‌توان بیان کرد که اندیشه فراگیر کردن فرهنگ واحد جهانی، قدمتی طولانی دارد. در امپراتوری‌هایی مانند چین و یا رم و هم‌چنین در ادیان مسیحیت و یهودیت و اسلام این چنین اندیشه‌ای به وضوح نمایان است. از منابع دینی اسلامی این چنین برداشت می‌شود که سرانجام، فرهنگی که بر کل دنیا حاکم می‌شود فرهنگ اسلام است و به واسطه اقدامات دولت کریمه امام زمان علیه السلام، تمامی فرهنگ‌ها به چالش کشیده می‌شوند و فرهنگ غالب در عصر ظهور، فرهنگ ناب اسلامی است.

با توجه به رویکرد دوم نیز می‌توان چنین گفت که جهانی‌شدن نوعی تنوع فرهنگی

را رقم زده است. در این راستا یکی از فرهنگ‌هایی که می‌تواند به واسطه زیرساخت‌های جهانی شدن به خوبی رشد کند و توسعه یابد، فرهنگ مهدویت است. «کانون فرهنگ مهدوی را می‌توان تحقق فرج و ظهور منجی موعود دانست. هرگونه نگرش، هنجار، سنت و شعایر خاصی که پیرامون چنین اعتقادی شکل می‌گیرد، می‌تواند در مقوله فرهنگ مهدویت قرار گیرد» (بهریزی لک، ۱۳۸۸، ۶۷)، و جهانی شدن توانسته است در ترویج این اندیشه سهم به‌سزایی داشته باشد.

در روند تنوع فرهنگی که جهانی شدن ایجاد کرده است، فرهنگ مهدویت که از مهمترین و قوی‌ترین آموزه‌های اصیل اسلامی است، می‌تواند در این عرصه درخشندگی خاصی پیدا کند؛ چرا که فرهنگ مهدویت در برگزیده بسیاری از آموزه‌های دیگر ادیان هست. این فرهنگ به واسطه زیر ساخت‌های جهانی شدن، می‌تواند در بین فرهنگ‌های متنوع به خوبی عرض اندام کند و آموزه‌های اصیل خود را در معرض آراء و افکار جهانیان قرار بدهد. این چنین فرهنگی که در بردارنده بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای موجود در دیگر فرهنگ‌ها است، می‌تواند در بین جوامع مختلف ریشه بدواند. اگر پیروان فرهنگ‌های متنوع، با زیبایی‌های فرهنگ مهدوی آشنا شوند و احساس نمایند که با آموزه‌های فرهنگیشان تعارضی ندارد، به آن رغبت پیدا می‌کنند. به تعبیر شهید محمد صدر (۱۳۸۲، ۵۱): «اگر حضرت برای همگان شناخته شده باشد دست یافتن به او به سادگی امکان‌پذیر خواهد بود».

بنابراین جهانی شدن با گسترش وسایل ارتباط جمعی دریچه‌ای جدید بر روی بشریت گشوده و مفهوم ارتباطات را متحول نموده است. عصری که انسان‌ها با کشیدن نقاشی و یا نوشتن و یا صحبت رودرو، پیغام خود را به دیگران انتقال می‌دادند بسیار متفاوت از دنیای امروزی است که شاه‌راه‌های ارتباطاتی ایجاد شده است و انسان‌های دور از هم را با همدیگر همسایه دیوار به دیوار کرده است.

به پشتوانه روند روبه‌رشد و غیر قابل توقف فن‌آوری‌های اطلاعاتی، افرادی مانند مک لوهان (۱۳۵۲، ۳۸) سخن از دهکده جهانی می‌زند و می‌گوید: «در پرتو وسایل ارتباطی الکترونیک، چهره کار و زندگی اجتماعی دگرگون می‌شود، جوامع و ملت‌ها به هم نزدیک می‌گردند و در نهایت، دهکده‌ای به پهنای کره زمین پدید می‌آید». اما پیشرفت وسایل ارتباطی در عصر جهانی شدن آنقدر شدت پیدا کرده که دیگر سخن گفتن از دهکده جهانی مارشال مک‌لوهان نیز قدمت پیدا کرده و برخی از نظریه‌پردازان، ایده کلبه جهانی را مطرح می‌کنند. کاستلز (۱۳۸۵، ۱: ۳۹۷) می‌گوید: «ما در دهکده

جهانی زندگی نمی‌کنیم بلکه در کلبه‌هایی فراخور حال هر منطقه زندگی می‌کنیم که در سطحی جهانی تولید، و در محدوده محلی توزیع شده‌اند».

این بستری که جهانی‌شدن ایجاد کرده است از جهات متعددی می‌تواند با مهدویت پیوند داشته باشد. به واسطه زیرساخت‌هایی که جهانی‌شدن فراهم نموده است می‌توان به آسانی فرهنگ ناب مهدویت را به گوش تمامی مردم دنیا رساند و آنها را نسبت به این فرهنگ زیبا و جلوه‌های متعدد آن آشنا کرد. هم‌چنین جهانی‌شدن توانسته است بسیاری از روایاتی که در مورد دوران پیشاظهار، ظهور و پساظهار بیان شده است را به خوبی برای افکار عمومی ملموس کند؛ چرا که فهم چنین روایاتی «جز در پرتو گسترش عینی تکنولوژی، علم و اطلاعات که به عنوان جهانی‌شدن مطرح گردیده، قابل تفسیر و فهم نخواهد بود. در حقیقت آنچه در گذشته‌ها در این خصوص نقل شده بود، افسانه تلقی می‌شد، چون قابل فهم نبود، ولی امروزه که واقعیات عینی، منقولات گذشته دینی را به روز گردانیده معجزه تلقی می‌شود» (سجادی، عبداللطیف، ۱۳۸۳، ۲۳۸). به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: در زمان حضرت مهدی، مؤمن ساکن در شرق عالم، برادر مؤمنش را که در غرب است، می‌بیند، و مؤمن ساکن در مغرب، برادر مؤمنش را که در مشرق است، می‌بیند (نیلی، ۱۳۸۴، ۱۱۵). هم‌چنین امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: همانا زمانی که قائم ما قیام کرد، خداوند به گوش‌ها و چشمان شیعیان ما مدد می‌کند تا با آنها (در هر جای دنیا باشند) حرف می‌زند و آنها سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در جای خود قرار دارد (راوندی، ۱۴۰۹، ۲: ۸۴۰). هم‌چنین امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: وقتی قائم ما قیام کند در هر قسمتی از دنیا کسی را به عنوان نمایندگی از طرف خودش معین می‌فرماید و فرمان‌کارش را به این مضمون صادر می‌کند که برنامه قضایی تو در کف دست تو است، پس هرگاه مشکلی پیش آید که حکم خداوند را در آن امر نمی‌دانی به کف دستت نظر کن و آنچه را در کف دستت دیدی همان تکلیف تو است و به آن عمل کن (نعمانی، ۱۳۹۷، ۳۱۹).

تعبیری که در چنین روایاتی بیان شده، برای نسل‌های گذشته اموری شگفت‌انگیز بود و فقط با داشتن روحیه تعبدی می‌توانستند آنها را بپذیرند. اما امروزه به واسطه جهانی‌شدن و پیشرفت ارتباطات و زیرساخت‌های اطلاعاتی، این چنین روایاتی نه تنها برای متشرعین بلکه برای کسانی که اعتقادات دینی هم ندارند ملموس و برای همگان قابل درک است.

علاوه بر این موارد جهانی‌شدن فرهنگی آثار و پیامدهای منفی زیادی را رقم زده

است که برخی از آنها عبارتند از «تخریب مفاهیم فرهنگی، تخریب هویت‌های محلی، ملی و مذهبی، تغییر مرزبندی‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، ایجاد تضاد، تعارض و گسست فرهنگی، استحاله و اضمحلال و نابودی فرهنگ» (نقلبری، ۱۳۹۳، ۱۰۶). استعمار رسانه‌ای، کم رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، از بین رفتن امنیت فرهنگی، افزایش شیخون فرهنگی، سکولاریزه شدن مفاهیم فرهنگی، گسترش و ترویج فساد و بی‌بندوباری، تغییر ذائقه ملت‌ها، بحران‌های فرهنگی و هویتی... که هر کدام از این آثار منفی، نوعی ظلم و ستم است که به واسطه جهانی شدن بر جوامع گوناگون، اعمال می‌شود و باعث ترویج فرهنگ‌های فاسد و دردسرساز، در جوامع بشری شده است.

این چنین فرهنگی که جهانی شدن برای جوامع گوناگون به ارمغان آورده است، در پرشدن زمین از ظلم و ستم، نقش اساسی دارد. این روند جامعه بشری را در زندانی سرشار از ظلم و ستم که به وسعت دنیاست، محبوس می‌کند. در این چنین زندانی قاب زرین ارزش‌های اخلاقی شکسته می‌شود و ارزش‌هایی باژگونه برای مردم به تصویر کشیده می‌شوند. نتیجه این نابسامانی‌های فرهنگی، فشارها و ظلم و ستم‌هایی که از طرف ارزش‌های اومانیسیمی بر جامعه جهانی اعمال می‌شود، انفجار فرهنگی و یا انقلاب و خیزش اجتماعی گسترده‌ای است که در راستای آزاد شدن از اسارت این نابسامانی فرهنگی و رهایی از این چنین زندانی و ورود به دنیای پساظهور است.

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۵ش، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۳. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ش، *کشف الغمّة فی معرفه الائمه*، تبریز، انتشارات بنی‌هاشمی.
۴. ازفاو، کومسا، آذر و دی ۱۳۷۸ش، *جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی و تاثیر آن بر کشورهای در حال توسعه*، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۴۷-۱۴۸، ص ۱۸۲-۱۸۹.
۵. استیگلیتز، جوزف، ۱۳۸۵ش، *جهانی‌شدن و پیامدهای ناگوار آن*، ترجمه محمد رضا باوفا، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۶. افروغ، عماد، ۱۳۸۷ش، *ما و جهانی‌شدن*، تهران، سوره مهر.
۷. امیدی نقلبری، مهدی، ۱۳۹۳ش، *اسلام، جهانی‌شدن و جهانی‌سازی*، قم، پژوهشگاه بین المللی المصطفی.
۸. بامن، زیگمون، ۱۳۹۱ش، *مدرنیته* (از مجموعه مقالات مدرنیته و مدرنیسم)، ترجمه و تدوین حسینعلی نوزری، تهران، انتشارات نقش جهان.
۹. بابلیسن، جان و استیو اسمیت، پاییز ۱۳۸۲ش، *دنیای در حال جهانی شدن*، ترجمه محمد رضا حسن زاده، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۲، ص ۳۸-۴۱.
۱۰. بن. اچ بگدیکیان، ۱۳۸۲ش، *انحصار رسانه‌ها*، ترجمه داود حیدری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۱. بهاء‌الدین نیلی، علی بن عبدالکریم، ۱۳۸۴ش، *سرور اهل ایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان* علیه السلام، قم، دلیل ما.
۱۲. بهروزی لک، غلامرضا، ۱۳۸۸ش، *سیاست و مهدویت*، قم، موسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت.
۱۳. پورسید آقایی، مسعود، ۱۳۸۷ش، *با جاری انتظار*، قم، موسسه آینده روشن.
۱۴. تارو، لستر، ۱۳۸۳ش، *برندگان و بازندگان جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. تاملینسون، جان، ۱۳۸۱ش، *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۶. حق شناس، علی محمد و حسین سامعی و نرگس انتخایی، ۱۳۸۷ش، **فرهنگ معاصر هزاره**، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۷. حق شناس، محمد جواد، ۱۳۹۳ش، **دولت ملی در عصر جهانی شدن**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. حبیب، سلیمان، ۱۳۸۱ش، **فرهنگ معاصر انگلیسی**، تهران، نشر موسسه فرهنگ معاصر.
۱۹. رابرتسون، رولند، ۱۳۸۰ش، **جهانی شدن، تئوریهای اجتماعی و فرهنگی**، ترجمه کمال پولادی، تهران نشر ثالث.
۲۰. راسل، برتراند، ۱۳۴۳ق، **تاثیر علم بر اجتماع**، مترجم محمود حیدریان، تهران، انتشارات دهخدا.
۲۱. زبیدی، مرتضی محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت، دارالفکر.
۲۲. سجادی، سید عبدالقیوم، ۱۳۸۳ش، **درآمدی بر اسلام و جهانی شدن**، قم، بوستان کتاب.
۲۳. سجادی، سید عبداللطیف، ۱۳۸۳ش، **ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی**، قم، انتشارات چهارده معصوم.
۲۴. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، **نهج البلاغه (صحیحی صالح)**.
۲۵. شولت، یان آرت، ۱۳۸۲ش، **نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن**، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲۶. شیروودی، مرتضی، ۱۳۸۲ش، **تاریخ و مبانی فکری و فلسفی جهانی سازی غرب، آمریکا و اسلام**، فصلنامه مطالعات منطقه ای، شماره ۱۶، ص ۸۵-۱۴۰.
۲۷. صدر، محمد، ۱۳۸۲ش، **تاریخ غیبت کبری**، تهران، نیک معارف.
۲۸. صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام**، قم، مکتبه آیه الله المرعشی.
۲۹. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۹۳ش، **پایان تاریخ و انسان واپسین**، ترجمه عباس عربی و زهرا عربی، تهران، انتشارات سخنکده.
۳۰. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، ۱۴۰۹ق، **الخرائج و الجرائح**، قم، مطبعة العلمية.
۳۱. کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۵ش، **عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ**، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۲. گیدنز، انتونی، ۱۳۷۸ش، **تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، **بحار الانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۴. مک لوهان، مارشال، ۱۳۵۲ش، **آینه‌های جیبی**، ترجمه ابراهیم رشید پور، تهران، انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران.

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، *حکومت جهانی مهدی*، قم، نسل جوان.
۳۶. مورای، وارویک ای، ۱۳۸۸ش، *جغرافیای جهانی شدن*، ترجمه جعفر جوان و عبدالله عبدالهی، تهران، نشر چاپار.
۳۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق.
۳۸. نوروزی خیابانی، مهدی، ۱۳۷۸ش، *فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی*، تهران، نشر نی.
۳۹. واترز، مالکوم، ۱۳۷۹ش، *جهانی شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
۴۰. هابرماس، یورگن، ۱۳۸۰ش، *جهانی شدن و آینده دموکراسی*، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر مرکز.
۴۱. هانس، پیتر مارتین، ۱۳۸۱ش، *دام جهانی شدن*، مترجم: حمیدرضا شه‌میرزادی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران.
۴۲. هلد، دیوید؛ مک گرو، آنتونی، ۱۳۸۲ش، *جهانی شدن و مخالفان آن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۳. هیوود، اندرو، ۱۳۹۲ش، *سیاست*، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران، نشر نی.
۴۴. هانس، پیتر مارتین، ۱۳۸۱ش، *دام جهانی شدن*، *تهاجم به دموکراسی و رفاه*، مرجم حمید رضا شه‌میرزادی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.